سخن مدیرمسئول

بسم الله الرحمن الرحیم

۱. روزی که آخرین پیامبر خدا، دیده از دنیا بست، رایت هدایت را به دو یادگار ماندگار خود ـ قرآن و عترت ـ سپرد، وگمراه نشدن امّت را درگرو همراهیِ همارهٔ امّت با آن دو بازماندهٔ گرامی خود دانست. در برخی از روایات حدیث ثقلین آمده است که حضرتش فرمود:

فانظروا کیف تخلّفونی فیهما

و لأسئلنّکم و لأُحفیّن مسئلتکم.

حضرتش بااین‌گونه جملات، باری سنگین از مسئولیت بر دوش امّت افکند؛ تا کدامین فرد، سنگینی آن را احساس می‌کند وکدامین بی‌تفاوت می‌ماند!

۲. حضرت صدیقهٔ کبری فاطمهٔ زهرا علیها السلام در بیانی از سرِ درد، خطاب به اصحاب پیامبر، روزهایی را به یاد آنان می‌آورد که آنان، بی‌توجّه به رنجهای گرانِ رسول هدایت، به گنجهای رؤیایی خود می‌اندیشیدند، و پیامبر را بی‌یاور رها کرده بودند:

و انتم فی رفاهیة من العیش، وادعون فاکهون آمنون، تتربصون بنا الدوائر و تتوکفون الأخبار و تنکصون عند النزال و تفرّون من القتال... (احتجاج، ج ۱، ص ۱۰۱)

از این کلام می‌توان به این پیام رسید که در بعضی از زمانها که غربت دین با تمام وجود احساس می‌شود، باید به نصرت آن برخاست. در چنین زمانهایی، "دین ـ باور" بودن فقط از معبر "دین ـ یاور" بودن می‌گذرد. وگرنه مدّعایی بیهوده است.

۳. تاریخ اسلام، هنگامهٔ سنگین روز اُحُد رااز یاد نمی‌برد. آن روز مسلمانان ـ با

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.2.3]

این‌که برترین حجّت حقّ را در میان خود داشتند ـ طعم تلخ شکست را چشیدند، در حالی‌که درس بزرگی از خدای حکیم آموختند. آن درس گرانقدر، این بود که محض دیدن پیامبر ـ با تمام عظمتی که حضرتش دارد ـ حلاّل مشکل امّت نتواند بود، مگر با معرفت حقّ آن گرامی و ادای آن حق؛ وگرنه شکست، سرنوشت مردم می‌شود.

قرآن ضمن گزارش رویدادهای اُحُد، علّت فرار آن مردم از گرد پیامبر را چنین باز می‌گوید:

﴿إِنَّ الَّذينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطانُ بِبَعْضِ ما كَسَبُوا وَ لَقَدْ عَفَى اللهُ عَنْهُمْ، إِنَّ اللهَ غَفُورٌ حَليمٌ.﴾ (آل عمران (۳) / ۱۵۵)

یعنی که: هان! آیندگان! بهوش باشید و بگوش! پاره‌ای از گناهان شما ـ با آنکه خدای آمرزگار، بسیاری از آنها را می‌بخشد ـ می‌تواند چنین پیامدی داشته باشد که در چنان هنگامه‌ای، چنین پیامبری را تنها گذارید و عواقب سنگین شکست را، ابتدا خود بچشید و در مرحلهٔ بعد، به نسلهای آینده بچشانید.

۴. کمی به عقب برگردیم، به روزگاری که بنی‌اسرائیل در رکاب حضرت موسی کلیم الله بودند و بر خوانِ مائدهٔ آسمانی می‌نشستند؛ گنجی شایگان و نعمتی رایگان، که قداست آسمانی داشت و آسان، دست‌یاب می‌شد. ناگهان زمزمه‌ای در میان بنی‌اسرائیل افتاد که: خسته شدیم از منّ و سلوای تکراری! تنوّع می‌طلبیم! دلها برای سیر و عدس و پیاز تنگ شده بود و خوراک زمینی بشری را بر مائدهٔ آسمانی الهی ترجیح می‌دادند. گزارش این درخواست، از زبان قرآن خواندنی است:

﴿وَ إِذْ قُلْتُمْ يا مُوسىٰ لَنْ نَصْبِرَ عَلىٰ طَعامٍ واحِدٍ فَادْعُ لَنا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنا مِمّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِها وَ قِثّائِها وَ فُومِها وَ عَدَسِها وَ بَصَلِها﴾

و پاسخ کوبندهٔ خدای قهّار جبّار را باید به گوش جان شنید:

﴿قالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذي هُوَ أَدْنىٰ بِالَّذي هُوَ خَيْرٌ؟ اهْبِطُوا مِصْراً فَإِنَّ لَكُمْ ما سَأَلْتُمْ وَ ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَ الْمَسْكَنَةُ وَ باؤُ بِغَضَبٍ مِنَ اللّٰهِ ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.2.3]

كانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللّٰهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذٰلِكَ بِمٰا عَصَوْا وَكانُوا يَعْتَدُونَ. ﴾ (بقره (۲) / ۶۱)

آنان به استبدالِ خود خواسته گرفتار آمدند و در چنبرهٔ ذلّت خود ساخته افتادند، به سبب عصیانی که در برابر پیامبرشان مرتکب شدند.

خداوند حکیم، از گزارش این رویدادها برای امّت اسلام، چه می‌خواهد؟ عبرت گرفتن و پند آموختن، تا اینان به دامچالهٔ آنان نیفتند. دریغا! که هشداری چنین آشکار نیز سود نبخشید، از آن روی که آن مردمان را روی به بهبود نبود.

۵. خدای حکیم، نعمتهای فراوان و فزون از شمار به مردمان بخشیده و می‌بخشد. آفریدگار مهربان، منّت نهادن بر کسی را به جهت نعمتی نمی‌پسندد، و خوش نمی‌دارد. چنانکه امام امیرالمؤمنین علیه السلام، در تفسیر آیهٔ **"اجر غیر ممنون"** (تین (۹۵) / ۷) می‌فرماید: **"لا یمنّ علیهم به"** (تفسیر صافی، ج ۵، ص ۳۴۷). همین مضمون را در بیان امام صادق علیه السلام ذیل سورهٔ تکاثر می‌خوانیم. (همان، ص ۳۷۰)

در همین حال، در قرآن می‌خوانیم که به یک نعمت والای گران‌سنگ، بر مؤمنان منّت نهاده است: ﴿**لَقَدْ مَنَّ اللّٰهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولاً مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلاٰلٍ مُبِينٍ** ﴾ (آل عمران (۳) / ۱۶۴)

تأکید بر این نعمت بی‌مانند در میان آن همه نعمتِ بی‌منّت، برای آن است که ارزش تلاوت و تزکیه و هدایت و ارجِ تعلیم کتاب و حکمت را به مردمان بنمایاند؛ تا آن را سرسری نگیرند و آسان نپندارند.

آسان‌ترین وجه این مطلب، آن است که نعمتی که انسان را برای بهره‌گیری از نعمتهای دیگر جهت می‌دهد و راه می‌نمایاند، نعمت هدایت است. پس جای آن دارد که در میان آن همه موهبت الهی، در روز حساب و جزا، دربارهٔ این یک بپرسد: ﴿**ثم لتسئلن یومئذ عن النعیم**﴾ (تکاثر (۱۰۲) / ۸)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.2.3]

۶. این نکات همگی مدخل‌هایی بودند برای بحث اصلی که موضوع این قلم‌انداز است. توضیح را، به چند جمله کوتاه ـ به ترتیب بندهای پیشین ـ بسنده می‌کنیم:

الف) هم تبیین قرآن به حدیث وابسته است و هم دستیابی به کلام عترت. یعنی هرگز به رهنمود ثقلین نمی‌توان عمل کرد مگر با بهره‌گیری از حدیث. از سوی دیگر، سؤال و اصرار پیامبر در روز جزا، فرصت عمل رااز ما می‌گیرد. پس در همین فرصت محدود عمر دنیا باید به این وظیفه عمل کرد.

ب) غربت دین که نصرتی درخور خود می‌طلبد، امروز بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود. تندباد مسموم شکّ و تردید، شجرهٔ طیبهٔ یقین را هدف گرفته و هر روز شاهد فرضیه‌ای جدید هستیم که غالباً بی‌پایه و بدون استناد به مبانی علمی قطعی است. کمترین نتیجهٔ این تندباد، کوتاه شدن عمر امور یقینی است که می‌تواند سرپناه فکری مطمئنی برای انسانها باشد. این حقایق، همه درکالبد حدیث (روایت و درایت) عرضه می‌شود.

ج) هنگامه‌هایی شبیه اُحُد، همواره در انتظار امّت است. اگر شکست در برابر دشمن، در زمان حیات پیامبر مقدور بود، امروز بسیار آسان‌تر می‌توان انتظار آن را داشت. و چه گناهی بالاتر از این‌که چنان نعمت والای الهی را نادیده انگاریم و به یاری او نشتابیم؟ کفران نعمت، گناهی است نابخشودنی، به مدلول حدیث گرامی امام جواد علیه‌السلام که فرمود:

نعمة لا تشکر کسیئة لا تغفر. (بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۶۵)

و هرچه نعمت گرامی‌تر، کفران آن سنگین‌تر. و چه نعمتی گران‌بهاتر از نعمت کلام خاندان نور؟

د) علم موهبتی الهی که خداوند پیوسته به اهل‌بیت می‌دهد و آن گرامیان به مردم می‌بخشند، قابل قیاس با خوراک جسم نیست، بلکه بسی ضروری‌تر و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.2.3]

مهم‌تراست. رها کردن آن و دل خوش داشتن به بافته‌های ناتمام بشری، تکرار رفتار بنی‌اسرائیل است و تکرار همان عصیان، که این بار پس از تبیین و اتمام حجت روی می‌دهد و بار این گناه بسی سنگین‌تر است.

هرکسی که مهم‌ترین نعمت را دراختیار دارد و با این همه، گرفتار ضلالت باقی می‌ماند، وزر و وبال "علم بدون عمل" را به دوش می‌کشد. باور کنیم که پاسخگویی در روز جزا، دشوار است. به این هشدار مولی‌الموحّدین گوش جان بسپاریم که فرمود:

الیوم عمل و لا حساب، و غداً حساب و لا عمل (نهج البلاغه، خطبهٔ ۴۲)

چه پاسخی برای فردا مهیا کرده‌ایم، اگر رسول خدا از ما بپرسد دربارهٔ بی‌توجهی یا کم‌توجهی به میراث گران‌قدرش، که سخنان و سیرهٔ اوست؟ همین‌گونه در مورد یک به یک اهل بیت علیهم‌السلام.

۷. تلخی این مقالِ گزنده را با این بیان حضرت مولی‌الموحّدین می‌توان جبران کرد که در بیانی محبت‌آمیز و پدرانه فرمودند:

من حذّرک کمن بشرک (شرح فارسی غررالحکم، ج ۵، ص ۲۰۲)

خردمند کسی است که هشدار دلسوزانه بر مدار حقایق را بر سخنان شیرینِ پندار مدار، ترجیح دهد. بداند که امروز را فردایی است، با آزمونی دشوار و فرصتی که از دست می‌رود و باز نمی‌گردد.

باری، ماییم وگنجینهٔ گران‌قدری تحت عنوان حدیث. می‌توان کتاب کتاب، آن را از دست داد و می‌توان جمله جمله، بلکه کلمه کلمه آن را به باروری رسانید و از آن بهره‌ها گرفت. اختیار با خودمان است. در این کلام، تمام امّت درگیرند: فضاهای پژوهشی با رویکرد تخصصی، فضاهای آموزشی با رویکرد تربیتی، فضاهای فرهنگی با رویکرد ترویجی، و آحاد مردم هر کدام به نسبت آنچه در این زمینه فراگرفته‌اند و می‌گیرند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.2.3]

میدانی است بس گسترده از مسئولیت گریزناپذیر. آزمونی است فراگیر، که همگان درگیر آن‌اند. هرکس باید بیندیشد که در این میدان و آزمون، چه جایگاهی دارد و برای آن چه برنامه‌ای.

۸. امید ما، در این هنگامهٔ سخت و بس دشوار، جمله‌ای است کوتاه از پدر امّت امام موعود حضرت بقیة الله ارواحنا فداه، که به ما نوید می دهد:

ان استَر شَدت اُرْشِدتَ (بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۳۹)

دست اندرکاران سفینه چشم بدان دوخته‌اند که در این "شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هائل" برگهایی لرزان را به عنوان "استرشاد" به پیشگاه آن حجّت خدای ـ که مانند جدّش امام کاظم علیه‌السلام، مصداق "الامام الهادی والولیّ المرشد" است (همان، ج ۱۰۲، ص ۱۶) ـ پیشکش کنند و تحفهٔ ارشاد را از ناحیهٔ قدس حضرتش به همگان تقدیم دارند.

ایدون باد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.2.3]